

فهرست مطالب

بخش نخست: شرح موضوعی قانون تجارت	۱۵
فصل نخست: تاجر، امور تجاری، مشاغل تجاری، تکالیف تاجر، اسم تجاری، ضمانت و شخصیت حقوقی	۱۷
مبحث نخست - تعریف تاجر	۱۸
مبحث دوم - امور تجاری	۳۱
گفتار نخست - امور تجاری ذاتی	۳۱
گفتار دوم - امور تجاری تبعی و معاملات راجع به اموال غیر منقول	۴۲
مبحث سوم - مشاغل تجاری	۴۷
گفتار نخست) دلالتی	۴۷
گفتار دوم) حق العمل کاری (کمسیون)	۵۹
گفتار سوم) تصدی به حمل و نقل	۷۰
گفتار چهارم) قائم مقام تجاری	۷۸
مبحث چهارم - تکالیف تاجر	۸۳
گفتار نخست - دفاتر تجاری	۸۳
گفتار دوم - ثبت نام در دفتر ثبت نام تجاری	۹۶
مبحث پنجم: اسم تجاری	۱۰۰
مبحث ششم: ضمانت تجاری	۱۰۴
مبحث هفتم: شخصیت حقوقی	۱۱۱
فصل اول - اشخاص حقوقی	۱۱۱
فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی	۱۱۲
فصل دوم: شرکت های تجاری	۱۱۵

۱۱۶ مقدمه
۱۱۷ مبحث نخست- قواعد عمومی حاکم بر شرکت های تجاری
۱۵۳ مبحث دوم- شرکت های سهامی عام و خاص
۱۵۳ گفتار نخست) تشکیل شرکت های سهامی عام و سهامی خاص
۱۷۲ گفتار دوم) بررسی ارکان شرکت های سهامی
۱۷۲ مقدمه
۱۷۲ بند نخست- رکن تصمیم گیرنده (مجمع عمومی)
۱۷۲ الف) قواعد عمومی حاکم بر مجمع عمومی
۱۸۶ ب) مجمع عمومی عادی
۱۸۹ ج) مجمع عمومی فوق العاده
۱۹۱ بند دوم- رکن مدیریتی
۲۱۷ بند سوم- رکن نظارتی
۲۲۶ گفتار سوم) ساختار ملی شرکت های سهامی
۲۲۶ بند نخست- اوراق بهادار شرکت های سهامی
۲۲۶ مقدمه
۲۲۸ الف) تعریف، انواع، احکام و اوصاف سهام
۲۴۴ ب) تعریف، انواع، احکام و اوصاف اوراق مشارکت
۲۵۹ بند دوم- تغییر در سرمایه شرکت
۲۵۹ الف) مفهوم افزایش و کاهش سرمایه
۲۶۰ ب) افزایش سرمایه
۲۶۵ ج) کاهش سرمایه
۲۶۷ بند سوم- حساب های شرکت و تقسیم سود در شرکت های سهامی
۲۷۳ مبحث سوم- شرکت های با مسئولیت محدود
۲۷۳ گفتار نخست) تشکیل شرکت با مسئولیت محدود و ارکان آن
۲۷۷ گفتار دوم) رکن تصمیم گیرنده در شرکت با مسئولیت محدود
۲۷۷ بند نخست- قواعد عمومی حاکم بر مجمع عمومی شرکت
۲۸۱ بند دوم- مجمع عمومی عادی شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۲ بند سوم- مجمع عمومی فوق العاده شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۳ گفتار سوم) رکن مدیریتی در شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۹ گفتار چهارم) رکن بازرسی و نظارت در شرکت با مسئولیت محدود



۲۹۲	گفتار پنجم) احکام ناظر بر سرمایه و نظام مالی شرکت با مسئولیت محدود
۲۹۶	مبحث چهارم - شرکت‌های تضامنی و نسبی
۲۹۶	مقدمه
۳۰۱	گفتار نخست) تشکیل شرکت‌های نسبی و تضامنی
۳۰۲	گفتار دوم) ارکان شرکت تضامنی و نسبی
۳۰۶	گفتار سوم) سرمایه و حساب‌های شرکت تضامنی و نسبی
۳۰۹	فصل سوم: اسناد تجاری
۳۱۰	مبحث نخست - تعریف اسناد تجاری، انواع، ماهیت و امتیازات آن‌ها
۳۱۷	مبحث دوم - قواعد ناظر بر صدور اسناد تجاری و شرایط شکلی آن‌ها
۳۲۹	مبحث سوم - ظهرنویسی
۳۳۴	مبحث چهارم - ضمانت
۳۳۷	مبحث پنجم - قبولی برات
۳۴۲	مبحث ششم - قبولی ثالث
۳۴۵	مبحث هفتم - پرداخت
۳۴۹	مبحث هشتم - واخواست
۳۵۰	مبحث نهم - پرداخت توسط ثالث
۳۵۲	مبحث دهم - وظایف دارنده
۳۵۷	مبحث یازدهم - مسئولیت
۳۵۹	مبحث دوازدهم - مفقودی اسناد تجاری
۳۶۲	مبحث سیزدهم - برات سازشی و برات رجوعی
۳۶۴	مبحث چهاردهم - مرور زمان در اسناد تجاری
۳۶۷	مبحث پانزدهم - بررسی قانون صدور چک
۳۷۹	فصل چهارم: ورشکستگی
۳۸۰	مبحث نخست - کلیات ورشکستگی
	مبحث دوم - دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی اوصاف حکم ورشکستگی و
۳۹۵	منازعات آن
۴۰۱	مبحث سوم - آثار حکم ورشکستگی
۴۰۵	مبحث چهارم - وظایف و اختیارات ارگان تصفیه
۴۱۲	مبحث پنجم - وضعیت معاملات تاجر متوقف
۴۲۱	مبحث ششم - انواع ورشکستگی



شرح قانون تجارت "به طریق موضوعی"

- ۴۲۵..... مبحث هشتم - قرارداد ارفاقی
- ۴۴۲..... مبحث هشتم - تفریح حساب
- ۴۴۶..... مبحث نهم - دعای استرداد
- ۴۵۵..... مبحث دهم - صندوق‌های (الف) و (ب)
- ۴۵۷..... مبحث یازدهم - خانمه ورشکستگی تاجر و اعاده‌ی اعتبار تاجر ورشکسته

بخش دوم: ضمیمه..... ۴۶۳

- ۴۶۴..... قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شمسی
- ۵۴۴..... قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۱۷
- ۵۴۷..... لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴
- ۶۰۶..... قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران
- ۶۲۳..... قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت
- ۶۲۶..... قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶
- ۶۳۶..... دستورالعمل تشکیل شرکت‌های تعاونی سهامی عام (با آخرین اصلاحات)
- ۶۴۸..... قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶
- ۶۸۲..... قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
- ۷۰۳..... قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۱۵ شمسی
- ۷۰۶..... نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی
- ۷۱۲..... اصلاحیه طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰
- ۷۱۵..... قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی
- ۷۱۶..... آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی
- ۷۱۹..... قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی
- ۷۳۱..... قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴
- ۷۴۱..... آیین‌نامه قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸
- ۷۵۵..... منابع



مبحث نخست - تعریف تاجر

حاشیه ۱- در ماده‌ی ۱ ق.ت. قانون‌گذار به تعریف «تاجر» پرداخته است. این ماده، مقرر می‌دارد:

«تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.»

ایرادی که به قانون‌گذار وارد است، آن است که در ابتدا، قانون‌گذار مقرر می‌دارد: «تاجر...»؛ یعنی قانون‌گذار، قصد دارد تا به طور مطلق، تاجر (اعم از حقیقی و حقوقی) را تعریف کند؛ لیکن در ادامه مقرر می‌دارد: «... کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي، قرار بدهد»^۱ فی الواقع، در عوض آنکه، قانون‌گذار به طور کلی، تاجر را (اعم از حقیقی و حقوقی) تعریف کند، صرفاً تاجر حقیقی را تعریف می‌کند؛ چراکه در ادامه، از کلمه‌ی «کس» و «شغل معمولی» استفاده کرده و هر دوی این واژگان، اشاره به اشخاص حقیقی دارد.^۱ مع الوصف، پرواضح است که تاجر، اعم است از تاجر حقیقی و تاجر حقوقی.

حاشیه ۲- در تعریف تاجر حقوقی می‌توان گفت: «تاجر حقوقی، شخصی است حقوقی که طبق تشریفات قانونی، تشکیل شده و موضوع فعالیتش (موضوعی) که در اساس‌نامه‌ی آن درج می‌شود، اصولاً باید انجام امور تجارتي باشد و انواع آن در ماده‌ی ۲۰ قانون

^۱ - ممکن است استدلال شود که اگرچه کلمه‌ی تاجر در ابتدای ماده، به طور مطلق استفاده شده، لیکن در ادامه، قانون‌گذار با آوردن واژگان «کس» و «شغل معمولی»، اطلاق کلام را گرفته و منظور خود را نشان می‌دهد که صرفاً در پی ارائه‌ی تعریفی از تاجر حقیقی است. لیکن این توجیه نیز کفایت نمی‌کند؛ چراکه وقتی می‌توان این توجیه را پذیرفت که قانون‌گذار در ماده‌ی نخست ابتدا تاجر را به حقیقی و حقوقی تقسیم می‌کرد و در ادامه به تعریف تاجر حقیقی و حقوقی می‌پرداخت؛ لیکن صرف‌بنظر از اینکه نظم قانون‌گذاری توسط قانون‌گذار به کیفیت پیش گفته رعایت نشده است، مضافاً در هیچ ماده‌ای، قانون‌گذار به تعریف تاجر حقوقی نپرداخته است. به هر حال، ولو اینکه بپذیریم قانون‌گذار در این ماده در پی تعریف تاجر حقیقی بوده، باز هم ایراد پیش گفته وارد خواهد بود.

تجارت و برخی قوانین خاص آمده است. ممکن است بنا بر مصالحی قانون گذار شخصیتی که موضوع فعالیت آن، انجام امور تجاری نباشد، استثنائاً تاجر بنامد.^۱

حاشیه ۳- در بحث تاجر حقیقی و اصولاً در بحث تاجر حقوقی، همواره با یک موضوع مهم مواجه هستیم و آن «انجام امور تجاری» است. در واقع برای آنکه شخصی حقیقی، تاجر محسوب شود و یا اصولاً شخص حقوقی، تاجر تلقی گردد، حسب مورد شغل معمولی و یا موضوع مندرج در اساسنامه، بایستی «انجام امور تجاری» باشد. منظور از «امور تجاری»، امور تجاری ذاتی است و نه امور تجاری تبعی.

حاشیه ۴- امور تجاری را به سه دسته می توان مُنقسم دانست:

الف) امور تجاری ذاتی^۲

ب) امور تجاری تبعی^۳

ج) امور تجاری حکمی

امور تجاری ذاتی، همان امور مندرج در ماده ۲ ق ت است. یعنی اموری که هر شخصی انجام دهد، تجاری است و صرف نظر از فاعل آن، در هر حال، آن امور، ذاتاً تجاری محسوب می شود. این امور، به لحاظ نوع و طبیعت خود، تجاری اند.^۴ لیکن امور تجاری تبعی، اعمالی است که در صورتی تجاری تلقی می گردند که آن اعمال، توسط تاجر و برای حوائج تجاری او و یا خدمه تاجر (توسط خدمه تاجر برای حوائج

^۱ - از نظر برخی حقوقدانان، «باید بر آن بود که شخصیت حقوقی تجاری در حقوق ایران همان شرکت های تجاری مندرج در قانون تجارت است. با پذیرش معیار شکل به نحو مذکور در ماده ۲۰ ق ت جهت تشخیص شرکت های تجاری بدون توجه به نوع فعالیت های آنها، به نظر می رسد اشخاص حقوقی ای که در قالب های غیر تجاری مانند مؤسسات مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت و آیین نامه ای اجرایی سال ۱۳۳۷ آن و یا حتی به عنوان مؤسسات عمومی دولتی به فعالیت های ماده ۲ ق ت اشتغال دارند نیز بایستی شخص حقوقی تجاری به شمار آورد» پاسیان - دکتر محمدرضا، حقوق شرکت های تجاری، ص ۵۵.

^۲ - برخی حقوقدانان، اعمال تجاری ذاتی را «اعمال تجاری مطلق» و گاه «اعمال تجاری اصلی» نیز تعبیر کرده اند (ستوده تهرانی - دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد اول، صص ۴۶ و ۴۷)؛ همچنین برای ملاحظه نظر حقوقدان دیگری که با عنوان «معاملات تجاری اصلی» این عناوین را بررسی کرده است، مراجعه شود به: حسنی - دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۲۱.

^۳ - برخی آن را امور «تجاری نسبی» نیز نامیده اند؛ (ستوده تهرانی - دکتر حسن، همان منبع)

^۴ - حسنی - دکتر حسن، همان منبع.

تجارتی تاجر) انجام شده باشد. توضیح اینکه؛ امور تجارتی تبعی، اگرچه اعمالی هستند که ذاتاً تجارتی محسوب نمی‌شوند، اما به تبع اینکه تاجر یا خدومه‌ای او برای رفع حوائج تجارتی تاجر انجام می‌دهند، در نتیجه، تجارتی محسوب می‌شوند.

امور تجارتی حکمی اعمالی است که اگرچه ماهیت تجارتی ندارد، اما به حکم قانون‌گذار، عمل تجارتی محسوب شده است. برخی حقوقدانان عملیاتی را که بر روی برات انجام می‌شود، اعمال تجارتی حکمی می‌دانند.^۱

حاشیه ۵- امور و اعمال تجارتی و تاجر بودن دو مقوله‌ی متفاوت است؛ توضیح اینکه، اگر شخصی که اساساً تاجر نیست، هر یک از امور تجارتی مندرج در ماده‌ی ۲ ق.ت را انجام دهد، عمل انجام شده توسط مشارالیه، تجارتی خواهد بود؛ لیکن الزاماً خود این شخص، تاجر محسوب نخواهد شد. زیرا برای اینکه شخصی تاجر باشد، باید انجام امور تجارتی مندرج در ماده‌ی ۲ ق.ت، شغل معمولی او باشد. نتیجتاً برای مثال، اگر شخصی غیر تاجر، اتومبیلی را به قصد فروش خریداری کند، کاری که توسط این شخص انجام شده است، به استناد بند ۱ ماده‌ی ۲ ق.ت، عمل تجارتی محسوب می‌شود، اما خود این شخص، تاجر نخواهد بود. چراکه تاجر بودن مستلزم آن است که خرید مال منقول از جمله اتومبیل، به قصد فروش یا اجاره، شغل معمولی این شخص باشد.

حاشیه ۶- اصطلاح معامله‌ی تجارتی با فعالیت تجارتی تفاوت دارد؛ معامله‌ی تجارتی جنبه‌ی اتفاقی داشته و ممکن است، صرفاً یک بار انجام شود؛ اما فعالیت تجارتی جنبه‌ی



^۱ - ستوده تهرانی - دکتر حسن، همان منبع و همچنین دمرچیلی - دکتر محمد، حاتمی - دکتر علی، قرائی - محسن، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، حاشیه ۵۳۲/۱ از ماده ۱ قانون تجارت؛ ایشان علاوه بر معاملات برواتی، معتقدند عملیات غیر تجارتی که توسط شرکت‌های سهامی انجام می‌شود نیز عملیات تجاری حکمی است. مع‌الوصف این نظر قابل پذیرش نیست؛ چراکه در ماده‌ی ۲ از لایحه اصلاح بخشی از قانون تجارت، قانون‌گذار مقرر داشته است که شرکت‌های سهامی در هر حال تاجرند، اما مقرر نمی‌دارد که هر عملی که از سوی این شرکت‌ها انجام می‌شود نیز تجارتی است. پس اعمال این شرکت‌ها مشمول قواعد کلی مندرج در ماده‌ی ۳ و ماده‌ی ۵ ق.ت بوده و در صورتی که برای رفع حوائج تجارتی باشد تجاری محسوب و نوع آن نیز عمل تجارتی تبعی خواهد بود و نه عمل تجارتی حکمی. جناب مرحوم دکتر ستوده تهرانی نیز (بدون اینکه استدلالی ارائه شده باشد) معاملات شرکت‌های سهامی را در حقوق ایران، امور تجاری حکمی نمی‌دانند؛ اگرچه در برخی از کشورها این امور جزء امور تجاری حکمی‌اند. (همان منبع)

مستمر دارد. به عبارت دیگر؛ برای انجام دادن معاملات تجاری، تمهید مقدماتی نظیر داشتن محل و خدمه و تأسیسات ضرورت ندارد؛ در حالی که فعالیت‌های تجاری، مستلزم داشتن چنین ابزاری است. نکته‌ی مهم‌تر این است که معاملات تجاری به اموری گفته می‌شود که برای تجارتی تلقی شدن آن، نیازی به تکرار آن امور نیست. یعنی ولو اینکه یک بار هم انجام شود تجارتی تلقی خواهد شد؛ مثل خرید به قصد فروش و مثل تنزیل برات. اما فعالیت تجاری، عملیاتی است که شرط حتمی آن، وجود استمرار است.^۱ مثل تصدّی به حمل و نقل. با این توضیح، یک اشکال دیگر در ماده‌ی ۱ ق.ت مشخص می‌شود؛ قانون گذار بایستی که مقرر می‌داشت: «تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات و یا فعالیت‌های تجاری قرار دهد».

حاشیه ۷- در هیچ قسمت از قانون تجارت، شغل معمولی تعریف نشده است. آیا منظور از شغل معمولی، همان شغل اصلی است؟ آیا منظور از شغل معمولی یعنی شغلی که بیشترین وقت شخص را به خود اختصاص داده‌است؟ آیا شغل معمولی یعنی شغلی که اهمیت اصلی را برای فرد دارد؟

شغل معمولی هیچ ارتباطی به شغل اصلی و شغلی که بیشترین وقت را به خود اختصاص بدهد یا بیشترین اهمیت را داشته باشد ندارد. مهم این است که عرفاً در جامعه، اشخاص بگویند که شخص در حال انجام آن کار تجاری و ارتزاق از طرق آن است؛ در واقع، تکرار صرف آن اعمال به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید عرفاً شغل شخص، امور تجاری باشد و وسیله‌ای برای امرار معاش محسوب گردد.

بر این اساس، اگر شخصی حتی بارها عمل تنزیل برات را انجام دهد، اگرچه عملی که انجام داده تجاری است، اما او تاجر نخواهد بود؛ مگر اینکه شغل او و وسیله‌ی امرار معاش او تنزیل برات باشد.^۲

^۱ - اسکینی - دکتر رهبر، حقوق تجارت: کلیات - معاملات تجاری - تاجر و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۶۸
^۲ - برخی معتقدند اگر پزشکی بیشتر وقت خود را به طبابت بگذراند و در عین حال املاکی دارد که به این املاک هم رسیدگی می‌کند و درآمد اصلی خود نیز بیشتر از این طریق تأمین می‌شود اما اگر در عین حال به امور تجاری نیز بپردازد باید او را تاجر دانست. (ستوده تهرانی - دکتر حسن، همان منبع، ص ۳۵)
 مع‌الوصف به نظر نمی‌رسد که بتوان چنین شخصی را تاجر دانست؛ چراکه امور تجاری برای این شخص